

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۸

"جنگ علیه ترور"، به منظورشه گذاشتن برروه‌های نادرست و غیر انسانی که با استانداردهای بین‌المللی در تضاد است، به دست گرفته شده است. گزارش سازمان عفو بین‌الملل تنها بخش کوچکی از این واقعیت را مطرح نموده است با این حال، این گزارش گستردگی نقض حقوق دمکراتیک و انسانی هزاران نفر در سراسر جهان را به نمایش می‌گذارد و ادعای بوش مبنی بر دفاع از دمکراسی و آزادی را کاملاً باطل می‌کند. دولت بوش همراه دیگر دولت‌های غیر دمکراتیک جهان، دست به دست یکدیگر داده تا برای پیشبرد منافع خویش، از فرصت طلایی بدست آمده بهره‌وری کند. اما همزمان، تظاهرات و اعتراضات گسترده مردم سراسر جهان علیه این سیاست‌ها که دفاع از حقوق بشر را فصل مشترک خود قرارداده است، به یکدیگر پیوند خورده و تمامی جنبش‌های دیگر را به زیر پرچم جنبش برای تأمین حقوق بشر جای داده است. روزیکشنبه ۲۲ ماه مه، هزاران نفر در شهر لندن، علیه جنگ آمریکا و متحدینش در عراق، به تظاهرات گسترده‌ای دست زدند. در این تظاهرات، پدر نیک برد (گروگان آمریکایی که در برابر دوربین تلویزیون سربریده شد)، آقای مایکل برد، نیز شرکت داشت. او جورج بوش را مسئول قتل فرزندش خواند و گفت، اگرچه رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، "مسئولیت" تحقیر و شکنجه زندانیان را در زندان نظامی عراق به عهده گرفته است اما برای اعمالی که انجام داده تنبیه نگشته و از این رو، مسئولیتی را نیز عهده دار نشده است. او گفت، زمان آن رسیده است که دولت آمریکا تعیین تکلیف کردن برای دیگران را کنار بگذارد و اضافه کرد که سلاح‌های کشتار جمعی در کاخ سفید هستند. او همچنین گفت: "اکنون دولت بوش دست به اقداماتی زده است که تأثیرات جهانی برجای گذاشته است. از این رو، مردم دو سوی اقیانوس اتلانتیک باید بگویند که دیگر تحمل ندارند و خواستار صلحی فوری و سریع هستند." در این تظاهرات، دیگر سخنرانان پیرامون حوادث اخیر در اسرائیل و

فلسطین صحبت کردند. یکی از سخنرانان گفت: "بربریت آمریکا در عراق، دست شارون را در قتل عام مردم غزه بیش از گذشته گشوده است." اگرچه پیرامون قتل نیک برد در عراق نظریات متعددی وجود دارد و برخی معتقدند که او جاسوس آمریکا بوده و به همین دلیل پس از کشف این موضوع به دست عراقیها کشته شده است و برخی دیگر معتقدند که او از جانب مامورین بوش به قتل رسیده است اما پدراو صرف نظر از تئوریهای موجود و برپایه شناختی که از فرزندش داشته، مقصراً در هر شرایطی، در تالیف سیاست‌های دولت آمریکا می‌بیند. آنچه که صحت این ادعا را بیشتر اثبات می‌کند، گفته‌های روزسه شنبه (۱۵ ژوئن) ژنرال ژانت کارپینسکی که ۸۰۰ پلیس را در عراق تحت مسئولیت داشت می‌باشد. او که اکنون متهم به بی‌توجهی به وضع زندانها و عدم تنبیه افراد تحت فرماندهی خود در زندان ابوگریب شده است، در یک مصاحبه با رادیو بی بی سی گفت، او تنها یک قربانی برای کسانی که در شکنجه زندانیان عراق دست داشته اند، می‌باشد. وی افزود، ژنرال ارشد، جفری میلر، که قبلاً مسئول بازداشتگاه گوانتانامو بوده است و برای گرفتن اعتراف از زندانیان ابوگریب به آنجا آمده، به او گفته است "باید با زندانیان مثل یک سگ رفتار کرد." او در دفاع از خود گفت: "من هم به اندازه دیگران از شنیدن اخبار شکنجه شوکه شدم." او گفت که بازجویی از زندانیان جزو وظایفش نبوده است بلکه توسط یک واحد اطلاعاتی ارتش انجام می‌شده است که برای گرفتن اطلاعات، شدیداً تحت فشار قرار داشتند. این که اعمال شکنجه دستوری از بالا بوده است، امری بدیهی می‌باشد که اکنون سعی می‌شود با تحت محاکمه قراردادن یک یا دوماه‌سول پایین رتبه، از پاسخگویی بدان سرباز زده شود. دونالد رامسفلد که از سوی مجلس نمایندگان آمریکا پیرامون شکنجه زندانیان ابوگریب مورد پرسش قرار گرفته بود، بی آنکه از نظر قانونی موظف باشد در باره موضوعات کاملاً سری سخنی بگوید، گفت که او "هرچه می‌دانسته گفته است." اما طی چندین مصاحبه با ماموران سابق و فعلی سازمان سیا، یک مقام بلند پایه این سازمان درباره سخنان رامسفلد اظهار داشت: "بعضیها تصویری کنند می‌توانند سرهمه را کلاه بگذارند" ماموران مذکور ادعا می‌کنند که رامسفلد تمامی این عملیات را از شروع تا انتها برنامه

ریزی کرده است. موفقیت برای دولت بوش تنها در چارچوب دستگیری ۵۵ تن از اعضای بلندپایه رژیم صدام که عکسهای آنها بصورت کارتهای بازی چاپ شده بود، مفهوم می‌یافت. از این رو حتی همسران و زنانی که از طریق با مردان زندانی بستگی داشته اند را نیز بازداشت و به زندان انداخته اند. پیرامون این حرکت، پایگاه خبری حقوق بشر زنان در سایت اینترنتی خود گزارشی را انتشار داد که طی آن می‌گوید: "اکثر مطالبی که پیرامون بدرفتاری و شکنجه با زندانیان عراقی در رسانه‌ها به چاپ رسید، درباره مردان عراقی بوده است. بنا بر گفته زندانیان زن و وکلای فعال در این زمینه، زنان در سراسر عراق نه به خاطر اینکه چه کرده اند بلکه به این دلیل که همسرانشان دارای "پتانسیل اطلاعاتی" هستند، دستگیر و بی آنکه امکان ارتباط با خارج از زندان داشته باشند مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفته اند." دولت بوش تنها به پیروزی در جنگ می‌اندیشید و در این رابطه به تنها موضوعی که بی توجه است، نقض حقوق مردم عراق، آمریکا و دیگر کشورهای جهان بوده وهست. **نقض حقوق بشر در ایران از دیدگاه دیده بان حقوق بشر** **قانون منع شکنجه "مانند مرده ای در تابوت"** در ۷ ژوئن سال ۲۰۰۴، سازمان دیده بان حقوق بشر، در گزارشی در ۷۳ صفحه پیرامون نقض حقوق بشر در ایران انتشار داد. در این گزارش، از شدت یابی شکنجه، دستگیریهای خودسرانه و بازداشت جهت جلوگیری از بالا رفتن بحرانهای سیاسی در ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی یاد شده است. در این گزارش آمده است: "مجلس اصلاح طلبان در ماه مه قانونی را به تصویب رساند که طی آن شکنجه افراد غیر قانونی می‌شود. اما این قانون دارای ابزارهای مکفی برای اجرا نیست." سازمان مزبور معتقد است، این قانون که تنها تلاشی برای حفظ دستیابی به تمایلات پشت پرده سیاسی است، مانند "مرده ای در تابوت است." خانم سارا لی وایتسون، دبیر اول دیده بان حقوق بشر در خاورمیانه و افریقای جنوبی می‌گوید: "این ادعا که اصلاحات در ایران به شکنجه خاتمه داده است، دروغی بیش نیست" او می‌گوید، روزنامه نگاران، روشنفکران و

فعالان سیاسی بیش از هر زمانی از ابزار عقیده انتقادی از حکومت در وحشت هستند. گزارش دیده بان حقوق بشر، مدارک مستدلی از شکنجه و زندان انفرادی به عنوان ابزاری برای شکستن پایداری مخالفان و وادار نمودن آنها به اعتراف به جرم به دست آورده است. افرادی که با نمایندگان این سازمان مصاحبه شده اند، نویسندگان روزنامه نگارانی بوده اند که تحت بازجویی های بی رحمانه با چشم بند و آزار فیزیکی و فشار برای پس گرفتن نظرات سیاسی قرار گرفته اند. افرادی که در گذشته بازداشت شده بودند، از وجود سلولهای انفرادی در زیرزمینهایی که گفته اند در آنجا برای هفته‌ها بدون داشتن ارتباط با فرد دیگری نگهداری شده اند، خبر داده اند. آنها توسط برخی از قضات تهدید گشته اند که چنانچه اعتراف به جرم نکنند، برای مدت زمان نامحدودی در سلولهای انفرادی باقی خواهند ماند. بسیاری از فعالان دانشجویی، توضیحات مشروحی پیرامون شکنجه های فیزیکی به دست لباس شخصیها و ماموران اطلاعاتی داده اند. این گزارش همچنین دارای اسنادی مبنی بر استفاده از ضرب و شتم، اجبار به بی حرکت ماندن در یک حالت مشخص، لگد زدن به بازداشت شدگان با چکمه های سربازی، آویزان کردن آنان از بازو و یا پا و تهدید به اعدام در صورتی که به جرم خود اعتراف نکنند، می‌باشد. در گزارش مذکور، ماموران اطلاعاتی لباس شخصی که برای دستگاه قضایی کار می‌کنند، مسئول مستقیم شکنجه بازداشت شدگان معرفی شده اند که به انتقاد از دولت برخاسته اند. ماموران یادشده، در خارج و یا به موازات دوایر ساختاری دولت فعالیت کرده و مستقیماً به رهبری مذهبی این کشور گزارش می‌دهند. اعضای این "نیروهای موازی"، در میان اسیران رژیم، به سرباز پیاده نظام معروف گشته اند. آنها مامور مبارزه با مخالفان جمهوری اسلامی هستند و هیچگاه به خاطر اعمالشان مجازات نشده اند. دیده بان حقوق بشر، اسنادی از حضور و همکاری قضات در اطاقهای بازجویی به دست آورده که بر مبنای آن، قضات یادشده طی بازجوییهای همراه با تهدید و آزار زندانیان، نظاره گرامضا و اعترافات جعلی به جرم شده اند و حتی

بقیه در صفحه ۱۰